



کمیسیون بازار پول و سرمایه



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

جهش‌های مکرر نرخ ارز و اثر آن بر وضعیت پروژه‌های سرمایه‌گذاری تامین مالی شده از طریق تسهیلات ارزی صندوق توسعه ملی



آذر ۱۴۰۰

فهرست مطالب

۳	چکیده مدیریتی
۶	۱. مقدمه
۷	۲. روش‌شناسی
۷	۳. تصویر وضع موجود از نگاه آماری
۱۸	۴. دلایل بروز مشکل
۲۰	۵. راهکارهای پیشنهادی خروجی پرسشنامه
۲۱	۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پرسش‌نامه‌ها
۲۲	۷. نتایج به دست آمده از بخش پانل خبرگان



چکیده مدیریتی

استفاده از تسهیلات ارزی صندوق ذخیره ارزی در گذشته و صندوق توسعه ملی در سال‌های اخیر از جمله راه‌های تامین مالی پروژه‌های تولیدی و خدماتی کشور و مسیری برای تبدیل منابع حاصل از صادرات نفت و گاز به سرمایه‌های زاینده بوده است. در عین حال لزوم باز پس‌گیری منابع صندوق به ارز، آسیب‌پذیری تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران به نوسانات ارزی را افزایش می‌دهد زیرا بازپرداخت وام‌های دریافتی باید به ارز صورت گیرد و هرگونه افزایش نرخ آن می‌تواند ارزش اقساط را به چندین برابر افزایش دهد. شوک ارزی سال ۱۳۹۶ و استمرار آن در چندین نوبت این مشکل را برای گیرندگان تسهیلات ارزی صندوق توسعه ملی ایجاد کرده است و ناتوانی این فعالان از بازپرداخت وام‌های ارزی دریافتی به بحرانی برای آن‌ها، صندوق توسعه ملی و سیستم بانکی تبدیل شده است. ضمن آنکه سرمایه‌گذاران جدید را با بیم بروز مشکل مشابهی در آینده رو به رو ساخته و بر سرمایه‌گذاری خصوصاً در فعالیتهای زیرساختی با نیاز بالا به منابع مالی اثر منفی گذاشته است.

به منظور بررسی دقیق جوانب موضوع، مطالعه‌ای به پیشنهاد کمیسیون بازار پول و سرمایه در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران توسط مرکز پژوهش‌های اتاق در دستور کار قرار گرفت. مطالعه حاضر بر اساس دریافت اطلاعات از صندوق توسعه، توزیع پرسش‌نامه و برگزاری پانل خبرگان تهیه شده است. از ۱۸۰ پرسش‌نامه ارسالی برای بدهکاران ارزی عضو اتاق‌ها، هشتاد و چهار بنگاه تولیدی و خدماتی به پرسش‌نامه پاسخ دادند. بر اساس نتایج این مطالعه، عمده طرح‌های موجود در نمونه آماری مورد بررسی (۹۵ درصد) به بخش تولیدی و زیر بخش‌های صنعت و انرژی اختصاص دارند. در بخش انرژی شرکت‌های تامین برق، گاز، بخار و تهویه هوا و در بخش صنعت زیر بخش‌های سایر فرآورده‌های معدنی غیر فلزی؛ مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی؛ منسوجات؛ فلزات پایه و فرآورده‌های غذایی بیشترین درگیری را با مساله دارند. بر اساس اطلاعات صندوق توسعه ملی مجموع ۸۴ بنگاه فوق‌بالغ بر ۲,۲ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی تسهیلات دریافت کرده‌اند که بخش تامین برق، گاز، بخار و تهویه هوا با ۱۶ بنگاه و ۱,۰۵ میلیارد دلار بیشترین تعداد بنگاه‌های دریافت‌کننده وام در نمونه و بیشترین میزان دریافتی را داشته است. وابستگی بالای الگوی تامین مالی این پروژه به دریافت تسهیلات از صندوق توسعه ملی از دیگر مسائلی است که از آمارها استنباط می‌شود و چنانچه در بررسی اولیه طرح مورد توجه قرار می‌گرفت، در گسترده نشدن دامنه این بحران اثرگذار بود. طبق نتایج پرسش‌نامه‌ها، ۴۴ درصد بنگاه‌ها سهم تسهیلات دریافتی از کل هزینه‌های طرح را ۵۰ تا ۷۵ درصد و ۲۷ درصد بیش از ۷۵ درصد گزارش کرده‌اند که نشان از وابستگی بالای وضعیت پروژه به تسهیلات دریافتی دارد.

این پروژه‌ها از اشتغال‌زایی بالایی برخوردارند. بطوریکه بر اساس طبقه‌بندی مورد پذیرش وزارت صنعت، معدن و تجارت از مشاغل، هفتاد و سه درصد بنگاه‌های موجود در نمونه آماری مورد بررسی و مطابق طبقه‌بندی اتحادیه اروپا، بیست و نه درصد در گروه بنگاه‌های بزرگ قرار دارند. همچنین بر اساس طبقه‌بندی اتحادیه اروپا، چهل و چهار درصد بنگاه‌ها متوسط مقیاس هستند. بنابراین پروژه‌های بهره‌مند از این تسهیلات عمدتاً در گروه بنگاه‌های متوسط و بزرگ با اشتغال

بالا می‌باشند و اهمیت ارائه راهکار برای حل مشکل این بنگاه‌ها با توجه به بزرگی مقیاس فعالیت و تبعات ورشکستگی احتمالی این پروژه‌ها بر بخش قابل توجهی از نیروی کار به خوبی آشکار است.

چنانچه مشکل موجود حل نشده باقی بماند، انتظار می‌رود تأثیرات منفی بر ورود سرمایه‌ها به فعالیت‌های بزرگ مقیاس و زیرساختی بگذارد و با توجه به آنکه فعالیت‌های زیرساختی پیوندهای پسین و پیشین بزرگی با سایر بخش‌ها دارند، عدم ورود سرمایه به این بخش‌ها می‌تواند تبعات منفی زیادی برای سایر فعالیت‌های اقتصاد داشته باشد. وضعیت بهره‌برداری طرح‌ها نشان می‌دهد از میان ۸۴ طرح مورد نظر ۱۸ طرح معادل ۲۱ درصد هنوز به بهره‌برداری نرسیده است. با توجه به آنکه افزایش هزینه‌های ساخت پس از جهش ارزی، احتمال عدم بهره‌برداری پروژه بر اساس برنامه زمان‌بندی را افزایش می‌دهد، نگرانی‌ها در زمینه توانایی صاحبان پروژه برای بازپرداخت اقساط وام‌های دریافتی تشدید می‌شود. همچنین وضعیت درآمدزایی طرح‌هایی که به بهره‌برداری رسیده‌اند، نشان می‌دهد ۴۴ طرح معادل بیش از نیمی از طرح‌های موجود در نمونه آماری، ارزش تولیدشان در آخرین سال فعالیت کمتر از ۱۰۰ میلیارد تومان بوده است و در ۶۳ درصد از موارد ارزش تولید آخرین سال فعالیت کمتر از ۵۰۰ میلیارد تومان است. عمده طرح‌هایی که بر روی آن‌ها اقدام به اخذ تسهیلات ارزی شده است، از نوع طرح‌های ایجاد (۶۴ درصد) و عمده سرمایه‌گذاری‌هایی که با کمک این تسهیلات تامین مالی شده است در زمینه استقرار؛ توسعه و تجهیز خط تولید (۷۹ درصد) بوده است. از آنجایی که این طرح‌ها برای بهره‌برداری اولیه و شروع درآمدزایی به تسهیلات صندوق توسعه ملی وابسته هستند، در صورت عدم بهره‌برداری به موقع به دلیل افزایش نرخ ارز با دشواری مضاعفی در بازپرداخت رو به رو می‌شوند. مورد حائز اهمیت دیگری که به تحلیل وضعیت این طرح‌ها کمک می‌کند، امکان یا عدم امکان کسب درآمد ارزی و نیز وابستگی آن‌ها به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وارداتی است. از آنجایی که بازپرداخت تسهیلات ارزی صندوق توسعه ملی به صورت ارزی است، چنانچه پروژه‌ها امکان کسب درآمد ارزی از محل صادرات نداشته باشند، با مشکلات بسیار شدیدتری در پرداخت اقساط مواجه خواهند شد. همچنین هر چقدر وابستگی عملکرد پروژه به واردات بیشتر باشد، بالا رفتن نرخ ارز اثرات بیشتری بر افزایش هزینه‌های ساخت، بهره‌برداری و تولید داشته و در نتیجه سودآوری سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. به منظور بررسی این دو مورد، میزان صادرات مستقیم یا غیر مستقیم محصولات پروژه و نیز وابستگی به واردات مواد اولیه مورد پرسش قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد کمتر از ۱۰ درصد ارزش محصولات و خدمات تولیدی نیمی از پروژه‌هایی که بابت آن‌ها تسهیلات ارزی دریافت شده، صادر شده است که در واقع به معنای عدم امکان کسب درآمد ارزی برای آن‌ها است. در خصوص وابستگی به واردات مواد اولیه، نزدیک به ۳۵ درصد طرح‌ها وابستگی کمتر از ۱۰ درصد گزارش کرده‌اند، با این وجود ۱۸ درصد پروژه‌ها نیز بیش از ۷۰ درصد به واردات مواد اولیه متکی هستند. بنابراین افزایش نرخ ارز در جهت عکس بر عملکرد سودآوری آن‌ها اثرگذار است.

در بخش دلایل عدم بازپرداخت تسهیلات، به جز افزایش نرخ ارز که اصلی‌ترین دلیل بروز مساله می‌باشد، قیمت‌گذاری دستوری و عدم ایفای تعهدات دولت و دستگاه‌های اجرایی به عنوان سایر دلایل با وزن اهمیت بالا شناسایی شده است.



بر اساس اطلاعات دریافتی، ۷۶ درصد از بنگاه‌های موجود در نمونه مورد بررسی، قبل از سال ۱۳۹۷ و پیش از جهش ارزی تسهیلات دریافت کرده‌اند و پیش‌بینی از چنین جهش‌هایی نداشتند. همچنین اطلاعات دریافتی از بنگاه‌ها نشان می‌دهد محصول نهایی ۳۵ شرکت در آخرین سال فعالیت مشمول قیمت‌گذاری دستوری بوده که در این میان بخش تامین برق، گاز، بخار و تهویه هوا با ۱۳ مورد و ۳۷ درصد بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. این میزان برای بخش‌های تولید فلزات پایه و سایر فرآورده‌های معدنی غیر فلزی که رتبه‌های دوم و سوم را از نظر میزان تسهیلات دریافتی در نمونه مورد بررسی دارند، به ترتیب ۴ مورد (۱۱ درصد) و ۵ مورد (۱۴ درصد) می‌باشد. همچنین ۲۸ شرکت در موعد شروع بازپرداخت تسهیلات اخذ شده از صندوق توسعه ملی نیز مشمول قیمت‌گذاری دستوری بوده‌اند. بخش تامین برق، گاز، بخار و تهویه هوا با ۱۰ مورد و ۳۶ درصد در این بخش نیز بالاترین میزان را گزارش کرده است. عمده پاسخ دهندگان، افزایش دوران تامین مالی (ساخت، تنفس، بازپرداخت)، تسریع در ایفای تعهدات دولت، اصلاح شیوه قیمت‌گذاری محصول و حذف محدودیت و ممنوعیت بر صادرات را به عنوان راهکار حل مساله پیشنهاد کرده‌اند.

همچنین پیشنهاد خبرگان برای حل مشکل، تفکیک بنگاه‌ها به دو دسته شرکت‌هایی که قبل و بعد از ۱۳۹۷/۰۵/۱۶ گشایش اعتبار داشتند و تبدیل بدهی گروه اول با نرخ رسمی ۴۲۰۰ تومان و بهره ساده ۱۸ درصد و یا تقسیط آن با بهره پیشنهادی در طی ۴ سال می‌باشد. شرح کامل پیشنهاد فوق در انتهای گزارش آمده است.

۱. مقدمه

تامین مالی رکن اصلی اجرای موفقیت‌آمیز هر پروژه تولیدی است. آورده سرمایه‌گذاران اغلب برای تامین منابع مالی مورد نیاز برای اجرا و پیاده‌سازی پروژه‌های بزرگ کافی نیست. در نتیجه همواره از سایر روش‌های تامین سرمایه استفاده می‌شود. هرچقدر بازار سرمایه در کشوری از سطح توسعه بالاتری برخوردار باشد، الگوهای تامین مالی به شیوه‌های پروژه محور^۱ نزدیک‌تر شده و از طیف متنوعی از ابزارهای مالی استفاده می‌شود اما در کشورهایی که بازار سرمایه توسعه چندانی نیافته است، عموماً تمرکز بر دریافت تسهیلات اعتباری و استفاده از ظرفیت‌های سیستم بانکی است.

در ایران شاهد چنین وضعیتی هستیم. با توجه به آنکه اقتصاد ایران اقتصادی نفتی است که تکیه زیادی بر درآمدهای حاصل از صادرات نفت در اداره تمام امور دارد، بهره‌مندی از تسهیلات اعطایی ارزی صندوق ذخیره ارزی در گذشته و صندوق توسعه ملی در شرایط فعلی نیز به عنوان یکی از راه‌های تامین منابع مورد نیاز سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تولیدی و خدماتی مطرح است. در سال‌های گذشته سرمایه‌گذاران زیادی با استفاده از این شیوه تامین مالی، اقدام به احداث یا توسعه طرح‌های پروژه خود کرده‌اند. با توجه به آنکه وام‌های دریافتی این سرمایه‌گذاران ارزی بوده و طبق اساس‌نامه صندوق توسعه مالی بازپرداخت آن‌ها نیز باید به ارز صورت گیرد، این سرمایه‌گذاران در برابر هر گونه نوسان و افزایش نرخ ارز آسیب‌پذیر هستند و متحمل نوعی نااطمینانی در محیط اقتصاد کشور می‌شوند که پوشش آن خارج از کنترل سرمایه‌گذار است.

افزایش شدید نرخ ارز در نیمه دوم سال ۱۳۹۶ که تاکنون نیز در چند مرحله تکرار شده و ادامه یافته است، برای دومین بار در دهه ۹۰، اقتصاد ایران را با چالش‌های زیادی رو به رو کرد که ناتوانی سرمایه‌گذاران پروژه‌هایی که با تسهیلات صندوق توسعه ملی راه اندازی شدند، در بازپرداخت وام‌های ارزی دریافتی با نرخ جدید ارز از جمله این چالش‌ها است که به بحرانی ملی برای سرمایه‌گذاران، سیستم بانکی و صندوق توسعه ملی تبدیل شده است.

اقتصاد ایران برای خروج از رکود به شدت نیازمند جذب سرمایه‌های خصوصی به فعالیت‌های مولد است. اما در شرایط فعلی به دلیل آنکه سرمایه‌گذاران حقیقی بسیاری از این پروژه‌ها به بدهکاران بزرگ سیستم بانکی و صندوق توسعه تبدیل شده و تحت فشارهای اقتصادی اجتماعی زیادی هستند، سرمایه‌گذار جدید اقدام به استفاده از این الگوی تامین مالی نکرده و از ورود به فعالیت‌هایی که تامین منابع مالی آن‌ها متکی به تسهیلات صندوق توسعه ملی باشد، اجتناب می‌کند. بسیاری از این فعالیت‌ها در گروه صنایع زیرساختی هستند که عملاً بدون توسعه آن‌ها امکان رشد و توسعه در سایر زمینه‌های اقتصادی نیز فراهم نیست. از جمله این صنایع می‌توان به بخش انرژی کشور اشاره کرد که به شدت درگیر این مساله شده است.

^۱ . Project Finance

در نتیجه بررسی دقیق ابعاد این مشکل و ارائه راهکار برای برون رفت از این شرایط، در ورود مجدد سرمایه‌ها به فعالیت‌های تولیدی و رونق سرمایه‌گذاری در اقتصاد ضروری است. باید توجه داشت هر گونه راهکار پیشنهادی برای حل این مساله نیازمند در نظر گرفتن تمامی جوانب به منظور جلوگیری از ایجاد رانت و فساد است. گزارش پیش رو به عنوان گام نخست این بررسی، درصدد ارائه تصویر آماری از وضع موجود، دلایل بروز آن و راهکارهای پیشنهادی از سوی برخی از صاحبان طرح‌های تامین مالی شده با استفاده از تسهیلات صندوق توسعه ملی است.

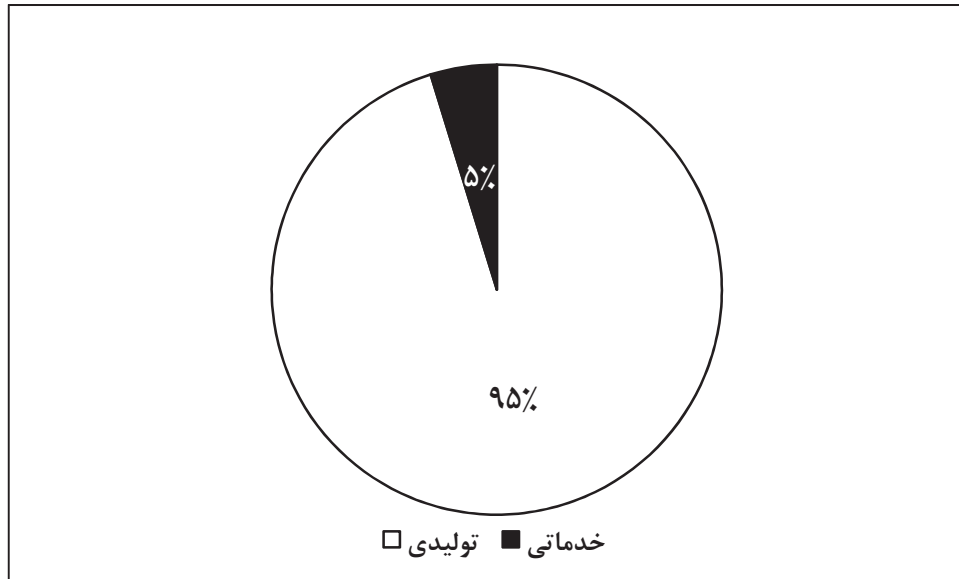
۲. روش‌شناسی

آمار و اطلاعات مورد استفاده در این گزارش به استناد روش توزیع پرسش‌نامه گردآوری شده است. نمونه آماری هشتاد و چهار بنگاه تولیدی و خدماتی خصوصی عضو اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران از جامعه آماری بدهکاران به صندوق توسعه ملی هستند. همچنین در انتها به منظور تکمیل بحث، سه پانل خبرگان با حضور برخی از صاحب نظران از بنگاه‌های درگیر مساله و تشکل‌های مرتبط آن‌ها برگزار گردید که نتایج آن نیز در قالب دو سناریو برای راهکارهای پیشنهادی در بخش پایانی گزارش ارائه شده است.

۳. تصویر وضع موجود از نگاه آماری

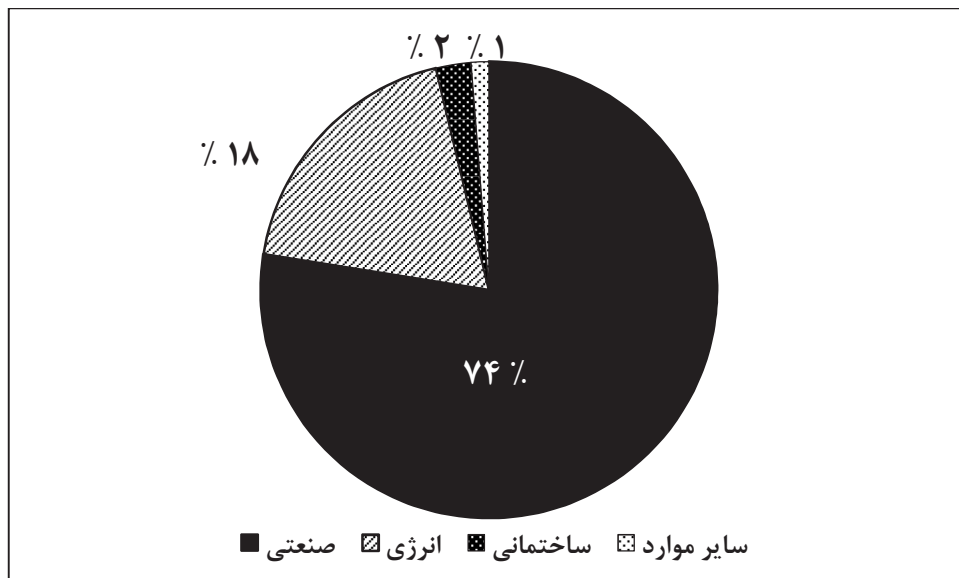
نمودار (۱) پراکندگی بخش‌های اقتصادی را به تفکیک بخش‌های تولیدی و خدماتی در نمونه پاسخ دهندگان به پرسش‌نامه نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، ۹۵ درصد بنگاه‌های پاسخ دهنده (۸۰ بنگاه از ۸۴ نمونه مورد بررسی) در بخش تولیدی و ۵ درصد در بخش خدماتی مشغول هستند. نمودار (۲) نشان می‌دهد از ۸۰ بنگاهی که در بخش تولیدی مشغول به فعالیت هستند، سهم هر یک از زیر بخش‌های صنعت، انرژی، ساختمان و سایر موارد از کل نمونه مورد بررسی چقدر است. بر اساس نتایج این نمودار، در میان زیربخش‌های تولید، عمده بنگاه‌ها در بخش صنعت هستند که سهم ۷۴ درصدی از کل نمونه دارند و پس از آن بخش انرژی با ۱۸ درصد دومین رتبه را در میان زیربخش‌های تولیدی به خود اختصاص داده است. بخش‌های ساختمانی و سایر موارد مجموعاً ۳ درصد بنگاه‌ها را در بر گرفته‌اند. بنابراین عمده شرکت‌های تولیدی مورد بررسی که از تسهیلات فوق استفاده کرده‌اند، در بخش‌های صنعت و انرژی مشغول فعالیت هستند که هر از دو از بخش‌های کلیدی و حائز اهمیت اقتصاد می‌باشند.

نمودار (۱). سهم بنگاه‌ها در نمونه مورد بررسی به تفکیک بخش‌های اقتصادی (درصد)



منبع: خروجی پرسش‌نامه‌ها

نمودار (۲). سهم زیر بخش‌های تولیدی از کل بنگاه‌های دریافت‌کننده تسهیلات در نمونه مورد بررسی (درصد)



منبع: خروجی پرسش‌نامه‌ها

در بخش انرژی شرکت‌های تامین برق، گاز، بخار و تهویه هوا و در بخش صنعت زیر بخش‌های تولید فلزات پایه، تولید سایر فرآورده‌های معدنی غیر فلزی؛ تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی؛ تولید فرآورده‌های غذایی و تولید منسوجات بیشترین درگیری را با مساله دارند. جدول (۱) اطلاعات مالی وام‌های دریافتی را برای بخش‌های فوق نشان می‌دهد.

جدول (۱). اطلاعات وام‌های دریافتی بنگاه‌ها

بخش	تعداد بنگاه‌ها	معادل دلاری پرداخت به بنگاه‌ها
تامین برق، گاز، بخار و تهویه هوا	۱۶	۱,۰۴۶,۷۶۴,۴۶۲
تولید فلزات پایه	۷	۲۷۱,۲۹۱,۶۰۸
تولید سایر فراورده‌های معدنی غیر فلزی	۱۳	۲۰۹,۹۶۷,۳۳۰
تولید مواد شیمیایی و فراورده‌های شیمیایی	۹	۹۴,۳۰۱,۸۴۶
تولید فراورده‌های غذایی	۶	۶۶,۱۶۴,۰۱۸
تولید منسوجات	۷	۴۷,۳۱۵,۰۹۳
سایر رشته فعالیت‌ها	۲۶	۴۸۷,۷۸۱,۹۶۵
مجموع	۸۴	۲,۲۲۳,۵۸۶,۳۲۲

منبع: صندوق توسعه ملی

همانطور که مشاهده می‌شود، مجموع ۸۴ بنگاه فوق‌الذکر بالغ بر ۲,۲ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی تسهیلات دریافت کرده‌اند که بخش تامین برق، گاز، بخار و تهویه هوا با ۱۶ بنگاه و ۱,۰۵ میلیارد دلار بیشترین تعداد بنگاه‌های دریافت کننده وام در نمونه و بیشترین میزان دریافتی را داشته است.

شایسته ذکر است در میان گیرندگان تسهیلات ارزی صندوق توسعه ملی نیروگاه‌های تولیدکننده برق بنا به دلایلی که در ادامه مطرح می‌شود، شرایط پیچیده‌تری دارند. چون نیروگاه‌ها به دلیل منع قانونی، امکان کسب درآمد ارزی از طریق صادرات انرژی برق ندارند، صندوق توسعه ملی با تخصیص تسهیلات به آنان موافقت نمی‌کرد. برای رفع این مشکل هیات محترم وزیران در سال ۱۳۹۴ به درخواست وزارت نیرو و صندوق توسعه ملی مصوبه‌ای را در فروردین ماه (۱۳۹۴/۱/۲۳) و سپس عینا در خرداد ماه (۱۳۹۴/۳/۲۳) ابلاغ کرد که بر اساس این دو مصوبه، در زمان بازپرداخت اقساط وام ارزی دریافتی از صندوق توسعه ملی، توسط تولیدکنندگان غیردولتی برق که برق خود را به وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه می‌فروشند، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، موظف است بر اساس درخواست بانک عامل، شرایط لازم برای تبدیل ریال به ارز با نرخ رسمی را فراهم آورد و پس از دریافت مبلغ ریالی هر قسط، معادل ارزی آن را به حساب صندوق توسعه ملی منظور نماید. این مصوبه موجب شد تا صندوق توسعه ملی طرح‌های نیروگاهی را بپذیرد و وام تخصیص دهد. با تغییر شدید نرخ ارز، این مصوبه توسط بانک مرکزی اجرا نشد و مشکل بسیار جدی پدید آمد. از سوی دیگر نیروگاه‌های غیردولتی تولیدکننده برق که با تسهیلات صندوق توسعه ملی اقدام به احداث و بهره‌برداری از واحد خود کردند، در زمان شروع افزایش نرخ ارز و جهش ارزی از محل فروش برق خود به سازمان‌های زیر مجموعه وزارت نیرو، مطالبات انباشته قابل توجهی (بالغ بر ۱۰ هزار میلیارد تومان) داشتند که در صورت پرداخت با نرخ ارز زمان ثبت مطالبه، قابل تبدیل به ارز و پرداخت چندین قسط بود. اما چنین اقدامی نیز صورت نگرفت. از طرفی قیمت برق به صورت تکلیفی تعیین می‌شود و در فاصله سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ قیمت خرید برق از نیروگاه‌ها در بازار عمده فروشی برق که بیشترین حجم معاملات

در آن صورت می‌گیرد، هیچ افزایشی نداشته است. همین دلایل موجب شده است که در سال‌های اخیر بخش خصوصی تمایلی به اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری در این حوزه نداشته باشد.

همچنین بر اساس اطلاعات دریافتی از ۶۵ بنگاهی که پاسخگوی سوال میزان بازپرداخت تسهیلات دریافتی خود بوده‌اند (۷۷ درصد کل بنگاه‌های پاسخ دهنده در نمونه آماری)، مجموع رقم بازپرداخت نزدیک به ۲,۴ میلیارد دلار است. ضمناً مبلغ بازپرداخت بر اساس واحدهای مختلف پولی (دلار؛ یورو؛ پوند؛ درهم؛ یوان؛ وون) بیان شده که همگی به نرخ روز به واحد دلار تبدیل شده است.

جدول (۲) اطلاعاتی در زمینه سود تسهیلات دریافتی و سهم تسهیلات دریافتی از کل هزینه‌های طرح ارائه می‌کند. با توجه به آنکه تعداد پاسخ‌های دریافتی در جواب هر سوال متغیر بوده است، در رو به روی هر سوال درصد مشارکت در ارائه پاسخ نیز ذکر شده است. مطابق نتایج این جدول، ۶۰ درصد تسهیلات دریافتی در نمونه، نرخ سودی معادل ۶ درصد دارند و ۱۵ درصد نیز با سود ۳,۵ درصد باید بازپرداخت شوند. تمرکز پاسخ‌ها در باقی‌نرخ‌ها کمتر است. ۴۴ درصد بنگاه‌ها سهم تسهیلات دریافتی از کل هزینه‌های طرح را ۵۰ تا ۷۵ درصد و ۲۷ درصد بیش از ۷۵ درصد گزارش کرده‌اند که نشان از وابستگی بالای وضعیت پروژه به تسهیلات دریافتی دارد.

جدول (۲). سود تسهیلات دریافتی، سهم تسهیلات از کل هزینه‌های طرح و چگونگی تخصیص تسهیلات به هزینه‌ها

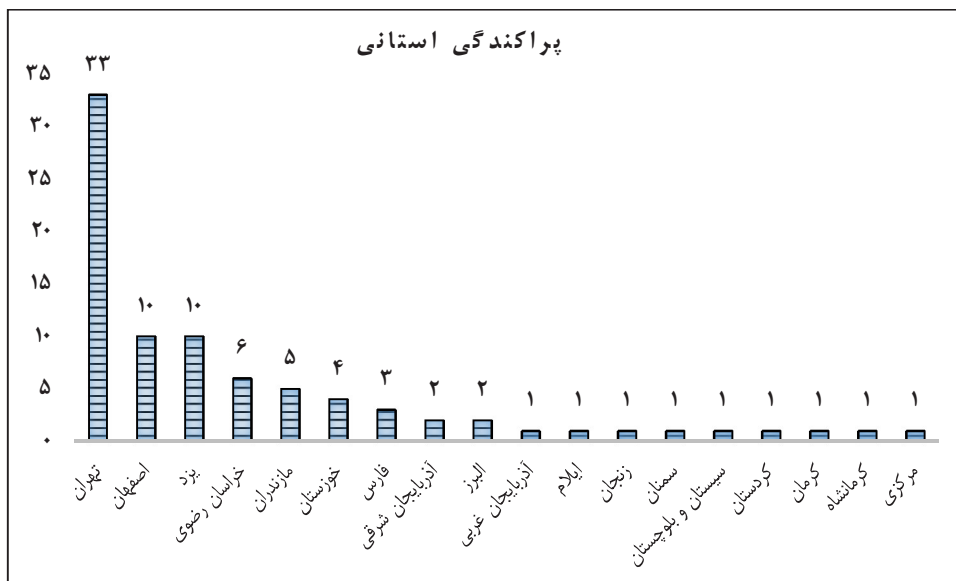
فراوانی پاسخ‌های دریافتی								درصد مشارکت		
۱۸٪	۱۲٪	۸٪	۷٪	۶٪	۵٪	۴٪	۳,۵٪	۳٪	۷۴ بنگاه معادل ۸۸ درصد	سود تسهیلات دریافتی از صندوق ^۱
۰,۰۳	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۱	۰,۰۱	۰,۱۵	۰,۰۱		
بیشتر از ۷۵٪								۸۱ بنگاه معادل ۹۶ درصد	سهم تسهیلات دریافتی از کل هزینه‌های طرح	
۵۰ تا ۷۵٪		۲۵ تا ۵۰٪		کمتر از ۲۵٪						
۰,۴۴		۰,۲		۰,۰۹						

منبع: خروجی پرسش‌نامه‌ها

نمودار (۳) پراکندگی استانی بنگاه‌های موجود در نمونه آماری را نشان می‌دهد. تهران، اصفهان و یزد به ترتیب با ۳۳، ۱۰ و ۱۰ مورد بیشترین آمار پروژه‌های تامین مالی شده با وام‌های ارزی را در نمونه مورد بررسی دارند.

^۱ ۳ درصد نیز اعلام کرده‌اند سود تسهیلات دریافتی‌شان هنوز مشخص نشده است.

نمودار (۳). پراکندگی استانی پروژه‌های تامین مالی شده با تسهیلات ارزی در نمونه مورد بررسی



منبع: خروجی پرسش‌نامه‌ها

نمودارهای (۴) و (۵) بنگاه‌ها را بر اساس میزان اشتغال طبقه‌بندی کرده است. در نمودار (۴) از طبقه‌بندی پذیرفته شده وزارت صنعت، معدن و تجارت برای مشاغل و در نمودار (۵) از طبقه‌بندی مورد پذیرش اتحادیه اروپا برای بنگاه‌های خرد؛ کوچک؛ متوسط و بزرگ مقیاس استفاده شده است. اطلاعات طبقه‌بندی‌های فوق در جدول (۳) درج شده است.

جدول (۳). طبقه‌بندی مشاغل بر اساس تعداد کارکنان

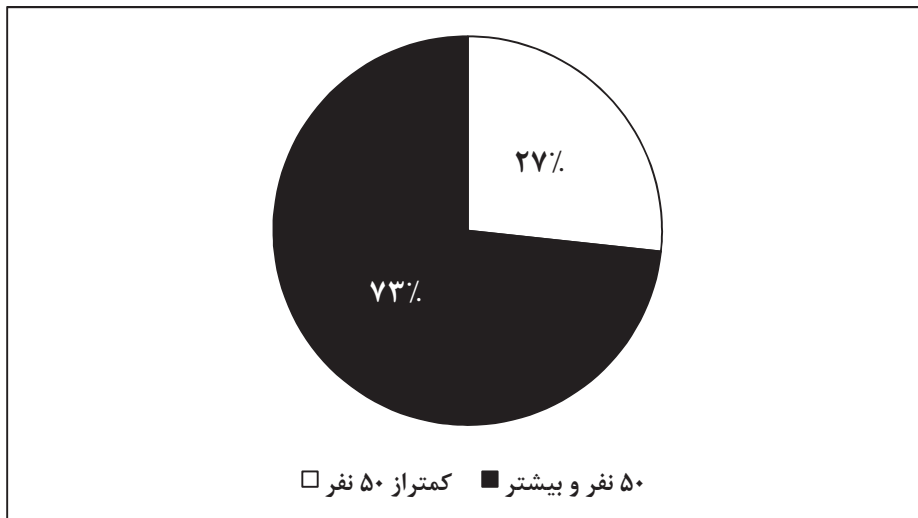
تعداد کارکنان	نوع بنگاه‌ها	
کمتر از ۵۰ نفر	کوچک و متوسط	وزارت صمت
۵۰ نفر و بیشتر	بزرگ	
کمتر از ۱۰ نفر	خرد	اتحادیه اروپا
بین ۱۰ تا ۵۰ نفر	کوچک	
بین ۵۰ تا ۲۵۰ نفر	متوسط	
بیشتر از ۲۵۰ نفر	بزرگ	

منبع: خروجی پرسش‌نامه، طبقه‌بندی صورت گرفته بر اساس سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و راهنمای تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط (اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶)

همانطور که این نمودارها نشان می‌دهند، مطابق استانداردهای طبقه‌بندی مشاغل در وزارت صمت ۷۳ درصد بنگاه‌های فوق، نیروی کار بیشتر از ۵۰ نفر دارند که از این میان ۲۹ درصد سطح اشتغال ۲۵۰ نفر و بیشتر دارند. به عبارتی بر اساس این طبقه‌بندی، هفتاد و سه درصد بنگاه‌های موجود در نمونه آماری مورد بررسی در گروه صنایع بزرگ هستند. همچنین با توجه به طبقه‌بندی اتحادیه اروپا و نتایج موجود در نمودار (۵)، چهار درصد از بنگاه‌های موجود در جامعه آماری بنگاه‌های سطح خرد؛ بیست و سه درصد کوچک؛ چهل و چهار درصد متوسط و بیست و نه درصد بزرگ هستند.

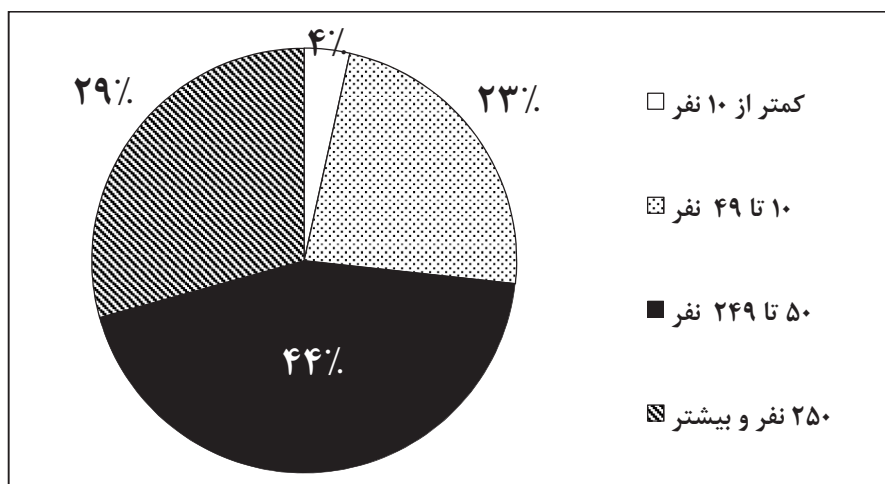
می‌توان این گونه جمع‌بندی کرد پروژه‌های سرمایه‌گذاری گیرنده این تسهیلات عمدتاً در گروه بنگاه‌های متوسط و بزرگ با اشتغال بالا قرار دارند. بنابراین اهمیت ارائه راهکار برای حل مشکل این بنگاه‌ها با توجه به بزرگی مقیاس فعالیت و تبعات ورشکستگی احتمالی این پروژه‌ها بر بخش قابل توجهی از نیروی کار به خوبی آشکار است. از زاویه دیگر می‌توان این گونه برداشت کرد که پروژه‌های بزرگ مقیاس وابستگی بیشتری به تامین مالی بر اساس منابع ارزی صندوق توسعه ملی دارند که مطابق انتظار است. در نتیجه چنانچه مشکل موجود حل نشده باقی بماند، انتظار می‌رود تأثیرات منفی بر ورود سرمایه‌ها به فعالیت‌های بزرگ مقیاس و زیرساختی بگذارد و با توجه به پیشران بودن بسیاری از فعالیت‌های فوق و پیوندهای پسین و پیشین بزرگ با سایر بخش‌ها، عدم ورود سرمایه به این بخش‌ها می‌تواند تبعات منفی زیادی برای سایر فعالیت‌های اقتصاد داشته باشد.

نمودار (۴). وضعیت اشتغال بنگاه‌های مورد بررسی بر اساس طبقه‌بندی وزارت صمت (درصد)



منبع: خروجی پرسش‌نامه‌ها

نمودار (۵). وضعیت اشتغال بنگاه‌های مورد بررسی بر اساس طبقه‌بندی اتحادیه اروپا (درصد)



منبع: خروجی پرسش‌نامه‌ها



همچنین بر اساس نتایج پرسش‌نامه‌ها می‌توان مجموع میزان اشتغال بنگاه‌های نمونه مذکور را در دو سناریو محاسبه کرد که در جدول (۴) این محاسبه و فروض آن درج شده است.

جدول (۴). مجموع میزان اشتغال بنگاه‌های نمونه در دو سناریو پایین و بالا

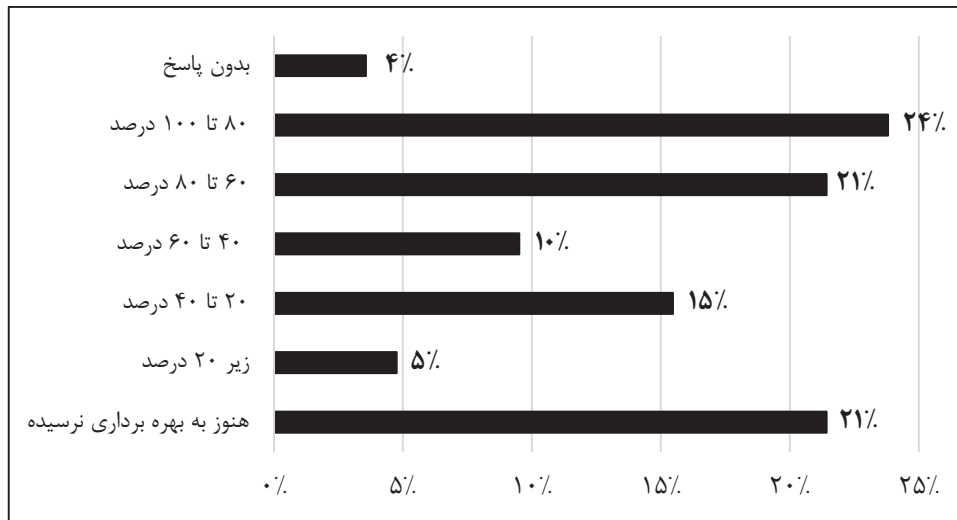
سناریوها	طبقه‌بندی اشتغال	تعداد بنگاه‌ها	میزان اشتغال	مجموع
پایین	کمتر از ۱۰ نفر	۴	۱	۴
	۱۰ تا ۴۹ نفر	۲۷	۱۰	۲۷۰
	۵۰ تا ۲۴۹ نفر	۵۱	۵۰	۲۵۵۰
	۲۵۰ نفر و بیشتر	۳۴	۲۵۰	۸۵۰۰
	مجموع			
بالا	کمتر از ۱۰ نفر	۴	۹	۳۶
	۱۰ تا ۴۹ نفر	۲۷	۴۹	۱۳۲۳
	۵۰ تا ۲۴۹ نفر	۵۱	۲۴۹	۱۲۶۹۹
	۲۵۰ نفر و بیشتر	۳۴	۱۲۵۰	۸۵۰۰
	مجموع			

منبع: خروجی پرسش‌نامه‌ها و محاسبات گزارش

با توجه به آنکه ایجاد هر فرصت شغلی به هزینه قابل توجهی نیاز دارد، در خطر قرار گرفتن این میزان فرصت شغلی می‌تواند تهدیدی برای اقتصاد کلان و رفاه اجتماعی باشد.

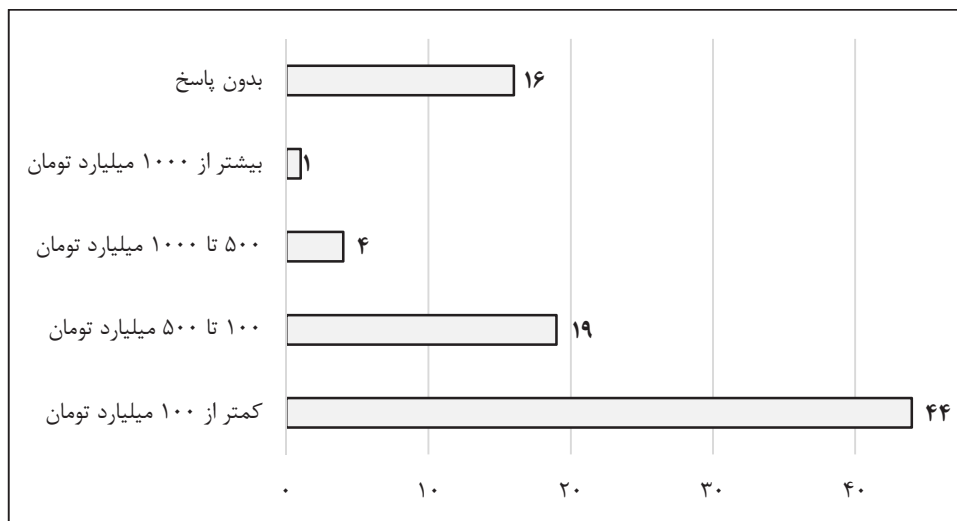
نمودار (۶) طرح‌هایی که بابت آن‌ها تسهیلات ارزی از صندوق توسعه ملی دریافت شده است را به تفکیک وضعیت بهره‌برداری نشان می‌دهد. از میان ۸۴ طرح مورد نظر ۱۸ طرح معادل ۲۱ درصد هنوز به بهره‌برداری نرسیده است. با توجه به آنکه افزایش هزینه‌های ساخت پس از جهش ارزی، احتمال عدم بهره‌برداری پروژه بر اساس برنامه زمان‌بندی را افزایش می‌دهد، نگرانی‌ها در زمینه توانایی صاحبان پروژه برای بازپرداخت اقساط وام‌های دریافتی تشدید می‌شود.

^۱ با توجه به آنکه سقف این طبقه مشخص نیست از عدد ۲۵۰ در هر دو سناریو برای این طبقه استفاده شده است. طبیعتاً در صورت داشتن اطلاعات دقیق‌تر رقم مجموع اشتغال در سناریوی دوم به مراتب بالاتر می‌رود.

نمودار (۶). پروژه‌های مورد بررسی به تفکیک وضعیت بهره‌برداری (درصد)


منبع: خروجی پرسش‌نامه‌ها

در نمودار (۷) پراکندگی میزان ارزش تولید در آخرین سال فعالیت بنگاه در بازه کمتر از ۱۰۰ میلیارد تومان تا بیشتر از ۱۰۰۰ میلیارد تومان آمده است. نتایج نشان می‌دهد ۴۴ طرح معادل بیش از نیمی از طرح‌های موجود در نمونه آماری، ارزش تولیدی کمتر از ۱۰۰ میلیارد تومان دارند. در نظر داشته باشیم ارزش تولید یک بنگاه باید قادر به بازگشت سرمایه سرمایه‌گذار، پوشش هزینه‌های اداره بنگاه و ایجاد سود مناسب برای تولیدکننده باشد.

نمودار (۷). پراکندگی ارزش تولید بنگاه‌ها در آخرین سال فعالیت (تعداد)


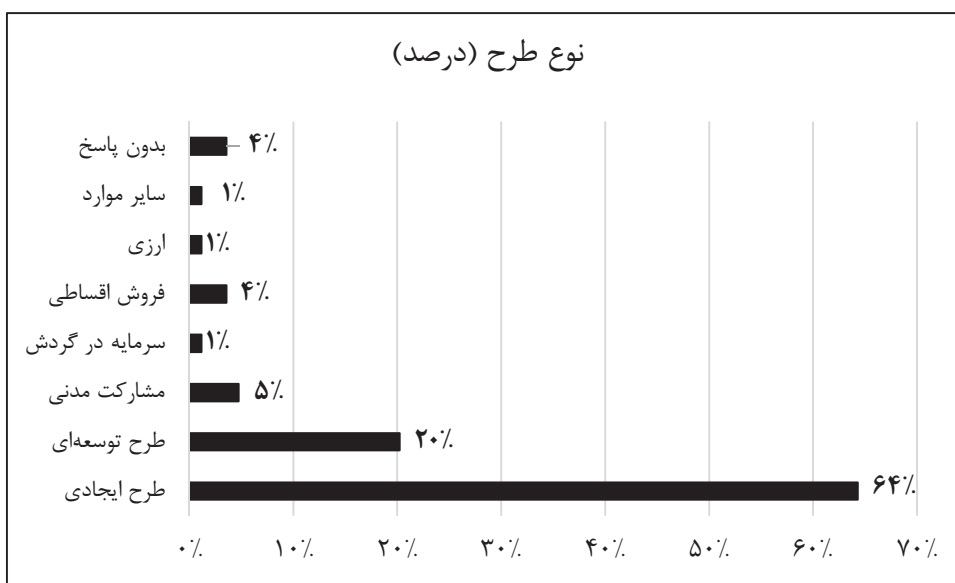
منبع: خروجی پرسش‌نامه‌ها

نمودار (۸) توزیع طرح‌های مورد بررسی را بر اساس طرح‌های ایجاد، توسعه‌ای، مشارکت مدنی، سرمایه در گردش، فروش اقساطی، ارزی و سایر موارد و نمودار (۹) توزیع آن‌ها را بر اساس نوع سرمایه‌گذاری به تفکیک استقرار، توسعه و تجهیز خط تولید، سرمایه در گردش، ساختمان و زمین و سایر موارد نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این دو شکل، عمده



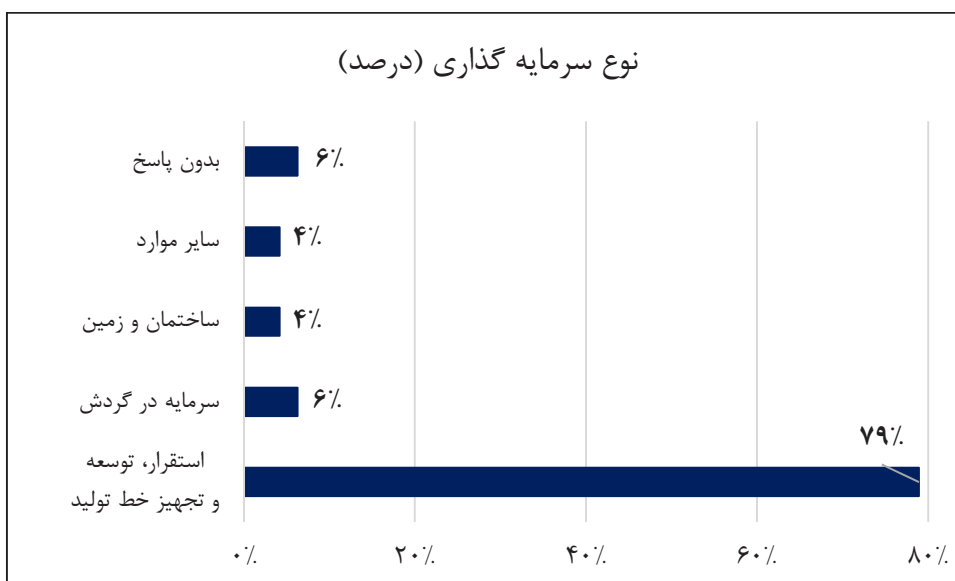
طرح‌هایی که بر روی آن‌ها اقدام به اخذ تسهیلات ارزی شده است، از نوع طرح‌های ایجاد و عمده سرمایه‌گذاری‌هایی که با کمک این تسهیلات تامین مالی شده است در زمینه استقرار، توسعه و تجهیز خط تولید بوده است. از آنجایی که این طرح‌ها برای بهره‌برداری اولیه و شروع درآمدزایی به تسهیلات صندوق توسعه ملی وابسته هستند، در صورت عدم بهره‌برداری به موقع به دلیل افزایش نرخ ارز با دشواری مضاعفی در بازپرداخت رو به رو می‌شوند.

نمودار (۸). پراکندگی طرح‌ها به تفکیک نوع طرح



منبع: خروجی پرسش‌نامه‌ها

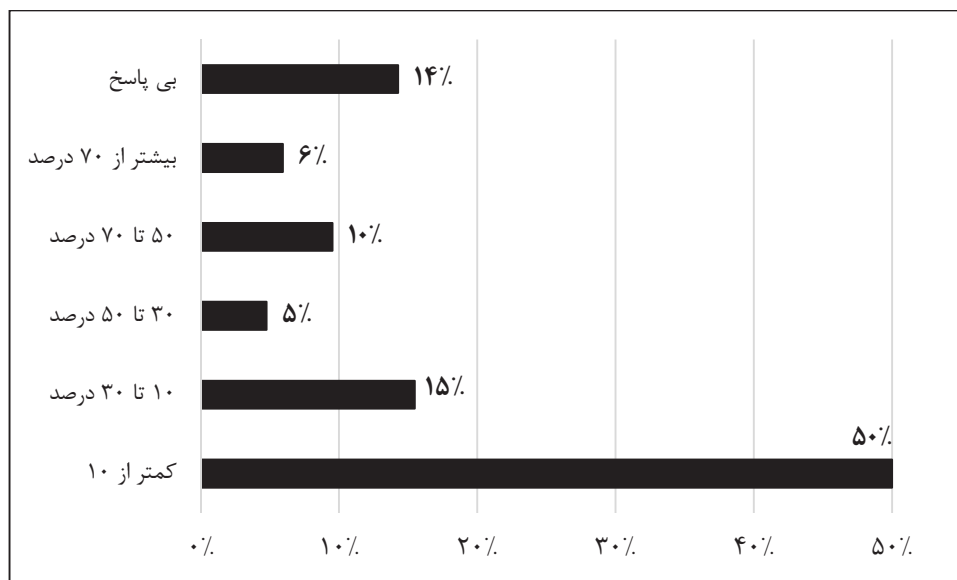
نمودار (۹). پراکندگی طرح‌ها به تفکیک نوع سرمایه‌گذاری



منبع: خروجی پرسش‌نامه‌ها

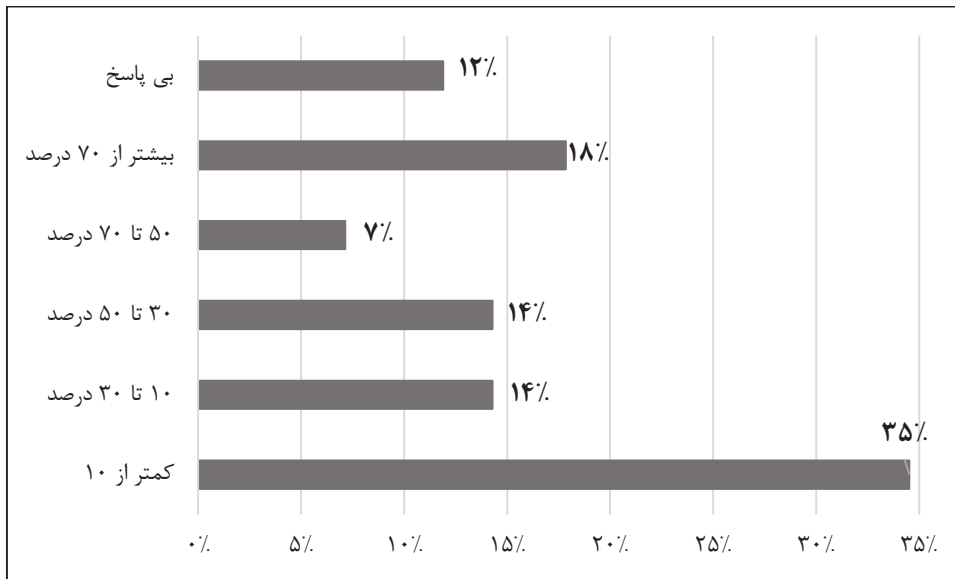
مورد حائز اهمیت دیگری که به تحلیل وضعیت این طرح‌ها کمک می‌کند، امکان یا عدم امکان کسب درآمد ارزی و نیز وابستگی آن‌ها به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وارداتی است. از آنجایی که بازپرداخت تسهیلات ارزی صندوق توسعه ملی به صورت ارزی است، چنانچه پروژه‌ها امکان کسب درآمد ارزی از محل صادرات نداشته باشند، با مشکلات بسیار شدیدتری در پرداخت اقساط خود رو به رو خواهند شد. همچنین هر چقدر وابستگی عملکرد پروژه به واردات بیشتر باشد، بالا رفتن نرخ ارز اثرات بیشتری بر افزایش هزینه‌های ساخت، بهره‌برداری و تولید داشته و در نتیجه سودآوری سرمایه-گذاری را کاهش می‌دهد. به منظور بررسی این دو مورد، میزان صادرات مستقیم یا غیر مستقیم محصولات پروژه و نیز وابستگی به واردات مواد اولیه مورد پرسش قرار گرفته است. نتایج که در نمودارهای (۱۰) و (۱۱) انعکاس یافته است، نشان می‌دهد کمتر از ۱۰ درصد ارزش محصولات و خدمات تولیدی نیمی از پروژه‌هایی که بابت آن‌ها تسهیلات ارزی دریافت شده، صادر شده است که در واقع به معنای عدم امکان کسب درآمد ارزی برای آن‌ها است. در خصوص وابستگی به واردات مواد اولیه، نزدیک به ۳۵ درصد طرح‌ها وابستگی کمتر از ۱۰ درصد گزارش کرده‌اند، با این وجود ۱۸ درصد پروژه‌ها نیز بیش از ۷۰ درصد به واردات مواد اولیه متکی هستند. بنابراین افزایش نرخ ارز در جهت عکس بر عملکرد سودآوری آن‌ها اثرگذار است.

نمودار (۱۰). پراکندگی طرح‌ها بر اساس امکان صادرات مستقیم یا غیر مستقیم محصولات تولید شده (درصد)



منبع: خروجی پرسش‌نامه‌ها

نمودار (۱۱). پراکندگی طرح‌ها بر اساس وابستگی به واردات مواد اولیه (درصد)



منبع: خروجی پرسش‌نامه‌ها

این بخش از گزارش را می‌توان در موارد زیر جمع‌بندی کرد:

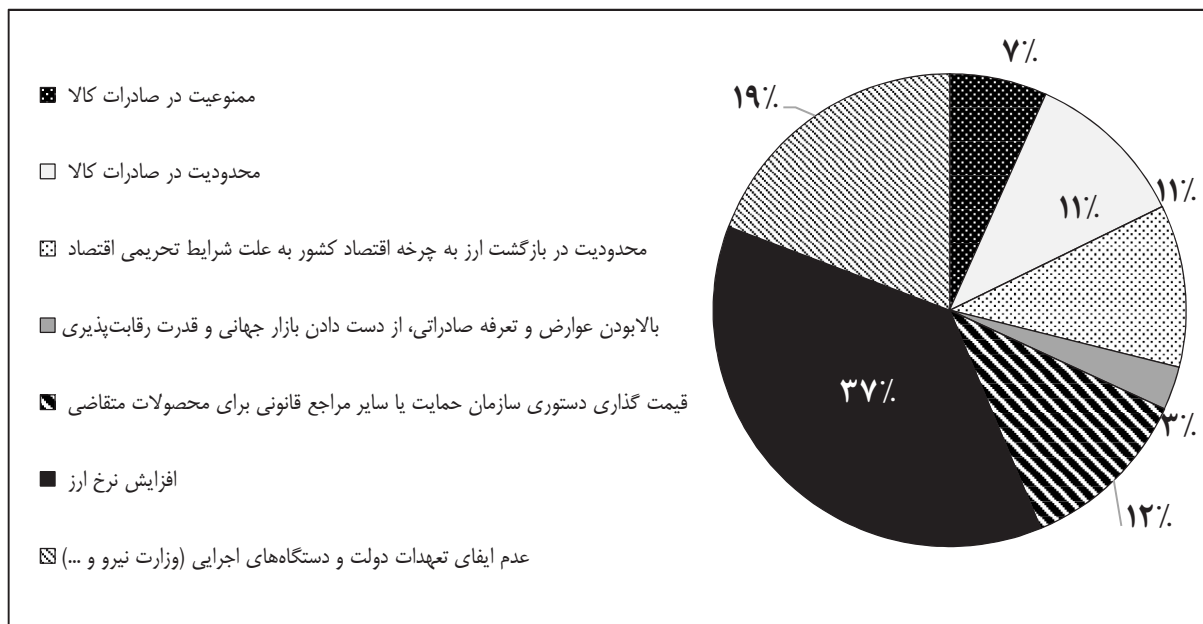
- عمده طرح‌های موجود در نمونه آماری مورد بررسی به بخش تولیدی و زیر بخش‌های صنعت و انرژی اختصاص دارند و در تهران متمرکز هستند.
- در بخش انرژی شرکت‌های تامین برق، گاز، بخار و تهویه هوا و در بخش صنعت از لحاظ میزان تسهیلات دریافتی، زیر بخش‌های فلزات پایه؛ سایر فرآورده‌های معدنی غیرفلزی؛ مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی؛ منسوجات و فرآورده‌های غذایی بیشترین درگیری را با مساله دارند.
- مجموع ۸۴ بنگاه فوق بالغ بر ۲,۲ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی تسهیلات دریافت کرده‌اند که به طور متوسط بنگاه‌های بخش تامین برق، گاز، بخار و تهویه هوا بیشترین میزان دریافتی را داشته‌اند.
- بخشی از طرح‌های فوق هنوز به بهره‌برداری نرسیده‌اند و در مواردی نیز که به بهره‌برداری و درآمدزایی رسیده‌اند، اغلب ارزش تولید آن‌ها در گروه‌های پایین طبقه بندی قرار دارد.
- اغلب طرح‌ها برای ایجاد، استقرار و تجهیز خط تولید از منابع صندوق بهره برده‌اند که به معنای وابستگی آغاز به کار و شروع درآمدزایی پروژه به تسهیلات دریافتی است.
- امکان کسب درآمد ارزی از طریق صادرات در این طرح‌ها اندک بوده است.
- این پروژه‌ها از اشتغال‌زایی بالایی برخوردارند.

۴. دلایل بروز مشکل

همانطور که انتظار می‌رود بر اساس پاسخ‌های دریافتی، افزایش نرخ ارز به عنوان دلیل اصلی بروز مشکل بنگاه‌ها در بازپرداخت تسهیلات ارزی دریافتی شناسایی شده است. بر اساس اطلاعات دریافتی، ۷۶ درصد از بنگاه‌های موجود در نمونه مورد بررسی، قبل از سال ۱۳۹۷ و پیش از جهش ارزی تسهیلات دریافت کرده‌اند و پیش‌بینی از چنین جهش‌هایی نداشتند. همچنین در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا مرداد ۱۳۹۷ که آغاز جهش ارزی است یعنی پنج و نیم سال، ۲۴ متقاضی قادر به بازپرداخت اقساط تسهیلات ارزی نبوده‌اند و از مهر ۱۳۹۷ تا خرداد ۱۴۰۰ یعنی در فاصله سه سال بعد از جهش ارزی، این تعداد ۱۹ مورد بوده که با توجه به طول بازه زمانی نشان دهنده افزایش نسبت به دوره پیش از جهش ارزی است.

اهمیت وزنی دلایلی که در شکل‌گیری این مساله نقش داشته‌اند بر اساس نظرات دریافتی، در نمودار (۱۲) به تصویر کشیده شده است. از آنجایی که ۹۵ درصد بنگاه‌های موجود در نمونه آماری در بخش تولیدی اقتصاد مشغول به فعالیت هستند، از پاسخ این گروه برای رسم نمودار استفاده شده است.

نمودار (۱۲). دلایل بروز مساله بر اساس پاسخ‌های دریافتی از مشاغل تولیدی



منبع: خروجی پرسش‌نامه‌ها

همانطور که مشاهده می‌شود به جزء افزایش نرخ ارز، قیمت‌گذاری دستوری و عدم ایفای تعهدات دولت و دستگاه‌های اجرایی، رتبه‌های بالایی را به خود اختصاص داده‌اند که هر دو مورد به نوعی بر اهمیت نقش دولت در بروز این مساله تاکید دارند. همچنین اطلاعات دریافتی از بنگاه‌ها نشان می‌دهد محصول نهایی ۳۵ شرکت در آخرین سال فعالیت مشمول قیمت‌گذاری دستوری بوده است که در این میان بخش تامین برق، گاز، بخار و تهویه هوا با ۱۳ مورد و ۳۷ درصد بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. این میزان برای بخش‌های تولید فلزات پایه و سایر فرآورده‌های معدنی غیرفلزی



که رتبه‌های دوم و سوم را از نظر میزان تسهیلات دریافتی در نمونه مورد بررسی دارند، به ترتیب ۴ مورد (۱۱ درصد) و ۵ مورد (۱۴ درصد) می‌باشد. همچنین ۲۸ شرکت در موعد شروع بازپرداخت تسهیلات اخذ شده از صندوق توسعه ملی نیز مشمول قیمت‌گذاری دستوری بوده‌اند. بخش تامین برق، گاز، بخار و تهویه هوا با ۱۰ مورد و ۳۶ درصد در این بخش نیز بالاترین میزان را گزارش کرده است.

مشکل قیمت‌گذاری دستوری که منجر می‌شود بنگاه تولیدی همزمان با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و افزایش هزینه‌های تولید، قادر به افزایش قیمت محصول تولیدی خود نبوده و در نتیجه بار تورم کشور به شکل مضاعفی سودآوری آن را تحت تاثیر منفی قرار دهد، مشخصا در مورد تمامی نیروگاه‌های تولیدکننده برق، تولیدکنندگان سیمان و شرکت ماهان در بخش خدمات حمل و نقل هوایی کشور گزارش شده است. در خصوص هوایمایی ماهان علاوه بر قیمت‌گذاری دستوری، دخالت دولت در پروازها و شرایط کرونایی مشکلات را بیش از پیش دشوار می‌سازد.

در بخش عدم ایفای تعهدات دولت نیز آنچه شایسته ذکر است، عمل نکردن دولت به تکلیف بند (ت) ماده (۴۶) قانون برنامه ششم توسعه است که مطابق آن بایستی با رعایت تبصره (۳) ماده (۲۰) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۰۲/۰۱ طی اجرای قانون برنامه، ساز و کار لازم برای پوشش خطرات افزایش سالانه بیش از ده درصد (۱۰٪) نرخ ارز در بودجه سنواتی پیش‌بینی و برای بنگاه‌های اقتصادی دریافت‌کننده تسهیلات ارزی طراحی و به اجراء در می‌آمد. اما این بند تاکنون عملکرد اجرایی نداشته است. یکی از دلایل این امر نقص دیدگاه علمی و کارشناسی درباره موضوع نوسانات ارزی است. اصولا نوسانات ارزی در ابعادی که در ایران وجود دارد، در دسته‌بندی ریسک‌هایی قرار نمی‌گیرد که قابل پیش‌بینی و اندازه‌گیری و در نتیجه بیمه شدن (پوشش) توسط سرمایه‌گذار یا شرکت‌های بیمه باشد. نوع این نوسانات را باید در دسته‌بندی نااطمینانی‌های شدید قرار داد که شرایط فورس ماژور ایجاد می‌کند و دولت‌ها باید آن را با لحاظ کردن شرایطی در قرارداد (مثلا عدم امکان فروش طرح طی سال‌های معین) بپذیرند تا امکان سرمایه‌گذاری به وجود آید. سایر دلایلی که در نتایج به دست آمده از نمونه آماری جنبه عمومی داشته باشد، عبارتند از:

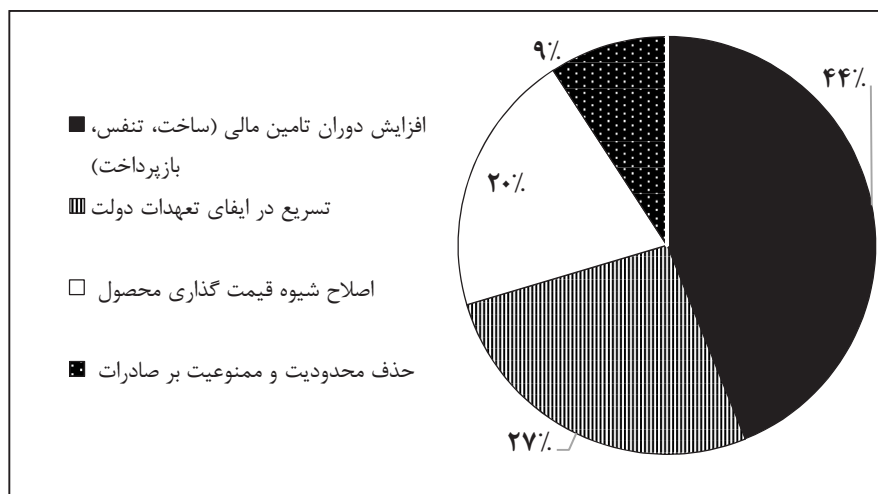
- کمبود دیماند برق؛
- تکمیل نشدن خط تولید به دلیل پرداخت نشدن تمامی مبلغ تسهیلات؛
- کمبود نقدینگی و وجود تحریم‌ها که منجر به افزایش قیمت مواد اولیه، تجهیزات، قطعات و خدمات و نیز تعویق در ورود مواد اولیه و بروز مشکلات گمرکی در ترخیص مواد اولیه شده است.
- عدم راه‌اندازی طرح به دلیل دیرکرد تخصیص ارز، عدم گشایش به موقع اعتبارات، عدم پرداخت به موقع صورت حساب؛
- بیماری همه گیر کووید ۱۹ و اثرات آن بر نقل و انتقال کالاها و نیروی متخصص میان کشورها؛

- عدم پرداخت به هنگام مطالبات فروش کالا توسط سازمان‌های زیرمجموعه دولت؛
- استتکاف بانک مرکزی از اجرای مصوبات هیات وزیران؛
- عدم اجرای ماده ۴۶ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه؛
- تورم شدید در اقتصاد کشور و خرید کالای ارزان قیمت و بی کیفیت توسط مشتری‌ها؛
- واردات محصولات مشابه و متعاقب آن فروش کم که باعث زیان شرکت بوده است.
- عدم حمایت دولتی؛
- نامعلوم بودن نرخ پرداخت تسهیلات؛
- در نظر نگرفتن شرایط و زمان بهره‌برداری طرح در ابلاغ جدول اقساط توسط صندوق توسعه ملی به بانک عامل؛
- سهم بالای مواد اولیه وارداتی و محدودیت در واردات مواد اولیه و قطعات؛

۵. راهکارهای پیشنهادی خروجی پرسش‌نامه

نمودار (۱۳) راهکارهای پیشنهادی برای حل مساله را بر اساس نظرات بنگاه‌های موجود در نمونه آماری نشان می‌دهد. در میان راهکارهایی که به رای گذاشته شده است، افزایش دوران تامین مالی (ساخت، تنفس، بازپرداخت) با ۴۴ درصد به عنوان اولین پیشنهاد انتخاب شده است. پس از آن به ترتیب تسریع در ایفای تعهدات دولت، اصلاح شیوه قیمت‌گذاری محصول و حذف محدودیت و ممنوعیت بر صادرات رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. همانطور که مشاهده می‌شود نتایج این بخش با نتایج نمودار (۱۲) همخوانی داشته و راهکارهایی پیشنهاد شده است که به حل دلایل اصلی بروز مساله اختصاص دارند.

نمودار (۱۳). اهم راهکارهای پیشنهادی



منبع: خروجی پرسش‌نامه‌ها



همچنین سایر راهکارهای پیشنهادی که عمومیت داشته باشند عبارتند از:

- پرداخت بر مبنای ارزش ارز در زمان گشایش اعتبار؛
- استمهال ریالی تسهیلات با نرخ عادلانه و منصفانه و تبدیل به تسهیلات ریالی؛
- اجرای مصوبات قبلی هیات وزیران توسط دستگاه‌های مربوطه نظیر بانک مرکزی و افزایش دوره فروش تضمینی محصول؛
- محاسبه‌ی نرخ ارز دولتی برای بازپرداخت تسهیلات؛
- اجرای ماده ۴۶ قانون برنامه پنج ساله ششم؛
- تعیین قیمت ارز بر اساس نرخ پایه قرارداد؛
- پرداخت بر مبنای ارزش ارز در زمان گشایش اعتبار به علاوه ۱۰٪ مازاد؛
- تسریع در صدور مصوبات و مشارکت در تامین منابع مالی توسط بانک عامل؛
- جبران کلیه ضرر و زیان‌هایی ناشی از عدم راه‌اندازی و بهره‌برداری از طرح که علت آن تاخیر بلندمدت در پرداخت به سازنده و متعاقبا تاخیر در تحویل اجناس و همینطور عدم گشایش اعتبار جهت تامین مابقی ماشین‌آلات بوده است.
- اعلام تقسیط جهت رفع مانع ورود به بورس؛
- بازپرداخت تسهیلات به نرخ ارز زمان اخذ تسهیلات؛
- کاهش نرخ سود تسهیلات؛

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پرسش‌نامه‌ها

بخش ابتدایی این گزارش با هدف ارائه تصویری از نتایج به دست آمده از توزیع پرسش‌نامه‌ها در نمونه آماری متشکل از بنگاه‌های تولیدی و خدماتی دریافت‌کننده تسهیلات ارزی صندوق توسعه ملی که در بازپرداخت با مشکل رو به رو شده‌اند، تنظیم شده است. با توجه به آنکه ابعاد این مشکل در سطح ملی مطرح و بخشی از فعالان اقتصادی، سیستم بانکی و صندوق توسعه ملی را تحت تاثیر قرار داده است، دستیابی به راهکاری جامع که از سویی ضامن حل مشکل بوده و از سوی دیگر به ایجاد رانت و فساد اقتصادی منجر نشود، ضروری است.

مطابق نتایج این گزارش بنگاه‌های درگیر این مشکل عمدتاً تولیدی در بخش‌های صنعت و انرژی هستند، اشتغال‌زایی بالایی دارند، برای استقرار و ایجاد خط تولید از تسهیلات استفاده کرده و ظرفیت‌های اندکی برای کسب درآمد ارزی از محل صادرات دارند. همچنین در سطح زیر بخش‌ها، بنگاه‌های زیر مجموعه انرژی به طور متوسط بالاترین میزان دریافتی از سوی صندوق توسعه ملی را دارند و بازپرداخت اقساط آن‌ها ارقام بیشتری است. دلایل اصلی بروز مساله افزایش شدید نرخ ارز، قیمت‌گذاری دستوری، عدم ایفای تعهدات دولت و دستگاه‌های اجرایی و ممنوعیت یا محدودیت صادرات شناسایی

شده است و متناسب با این دلایل افزایش دوران تامین مالی (ساخت، تنفس، بازپرداخت)، تسریع در ایفای تعهدات دولت، اصلاح شیوه قیمت‌گذاری محصول و حذف محدودیت و ممنوعیت بر صادرات به عنوان راهکار حل مساله پیشنهاد شده است.

۷. نتایج به دست آمده از بخش پانل خبرگان

با توجه به آنکه اتخاذ راهکاری برای حل این مساله نیازمند بررسی همه جانبه است، ذکر ملاحظات ضروری است. این ملاحظات بر اساس نتایج سه پانل خبرگان استخراج شده است که با حضور کارشناسان و متخصصان از گروه‌های انرژی، فلزات پایه و مواد معدنی غیر فلزی، پلیمرها و شرکت خدمات هواپیمایی ماهان که مشکلات عدیده‌ای در این باره دارند و تشکل‌های مرتبط آن‌ها برگزار گردید.

- نخست آنکه در میان بنگاه‌های درگیر این مشکل، گروه‌هایی که مشمول قیمت‌گذاری دستوری هستند و در نتیجه نمی‌توانند فشار افزایش شدید هزینه‌های تولید را در قالب افزایش قیمت محصول تولیدی تعدیل کنند، با دشواری مضاعفی در بازپرداخت اقساط خود رو به رو بوده و نیازمند توجه ویژه هستند. مشخصا برخی از بنگاه‌های بخش صنعت (از جمله در صنعت سیمان)، شرکت ماهان در بخش خدمات هواپیمایی و تمامی نیروگاه‌های تولیدکننده برق در این گروه قرار دارند.
- بنگاه‌هایی که امکان صادرات و کسب درآمد ارزی ندارند و یا با ممنوعیت یا محدودیت صادرات مواجهند نیز در بازپرداخت بدهی با تنگناهای جدی رو به رو هستند.
- بدهکارانی که مطالبات قابل توجه از نهادها و سازمان‌های زیرمجموعه دولتی دارند هم وضعیت دشواری در بازپرداخت اقساط وام‌های ارزی دارند. به طور مثال نیروگاه‌های تولیدکننده برق در این گروه قرار دارند.
- یک نکته قابل تامل در خصوص بنگاه‌هایی که درآمد صادراتی دارند که باید به آن توجه داشت، آن است که هرچند در ارتباط با این بنگاه‌ها، معادله درآمد و هزینه تولیدکننده با تغییر نرخ ارز تغییر محسوسی ندارد، اما با توجه به آنکه به موازات افزایش نرخ ارز و افزایش ارزش ریالی درآمدهای صادراتی، هزینه تمام شده تولیدات نیز افزایش یافته است، بازپرداخت اقساط ارزی صندوق توسعه ملی به نرخ روز ارز برای این بنگاه‌ها نیز دشوار است و سرمایه در گردش این گروه را متاثر می‌سازد. بعلاوه شایسته ذکر است افزایش نرخ ارز، هزینه تامین مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای را در هر دو مورد وارداتی و ساخت داخل افزایش می‌دهد.
- شایسته ذکر است در میان گیرندگان تسهیلات ارزی گروهی هستند که بر اساس جز دال بند ۶ قانون بودجه سال ۱۳۸۸ و بند ۴ تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۹۶ مشمول دریافت وام شده‌اند و تامین اعتبار آن‌ها به جای حساب ذخیره ارزی از محل منابع سپرده‌گذاری شده از محل منابع بانک مرکزی انجام شده است. با توجه به آنکه در یک صنعت یکسان و در بازه زمانی یکسان دو تولیدکننده یکی مشمول دریافت تسهیلات از حساب



ذخیره ارزی شده که افزایش نرخ ارز برای این گروه از محل ماده ۲۰ قانون رفع موانع تولید حل شده است و دیگری مشمول دریافت تسهیلات از محل منابع بانک مرکزی شده است که اکنون باید به نرخ روز بازپرداخت کند (مصدق آن در صنعت سیمان است)، شرایط رقابت به نفع گروه اول نابرابر می‌باشد و نیازمند حل مساله به فوریت است. جالب آنکه فرم های بانکی که گروه دریافت کننده تسهیلات تکمیل کرده اند نیز مشابه گروه اول بوده است و اصولاً تفاوت این موضوع برای وام دهنده و وام گیرنده روشن نبوده است.

- با توجه به آنکه راهکار پیشنهادی باید ضمن حل مشکل منجر به بروز رانت و فساد نشود، پیشنهاد می‌شود بین بنگاه‌هایی که پیش از مرداد ۱۳۹۷ و بعد از آن اقدام به گشایش اعتبار و دریافت ارز نموده‌اند، تفاوت باشد.
- نظر به گسترده بودن ابعاد مساله، تعیین کارگروه واحدی در سطح نهادهای تصمیم‌گیر به تسریع در انجام کار کارشناسی و حل مشکل کمک خواهد کرد.
- با توجه به آنکه طبق اطلاعات به دست آمده از پاسخ‌های دریافتی، ۹ درصد ممنوع‌الخروجی مدیران، ۲۰ درصد اخلال در فعالیت متقاضی توسط سازمان امور مالیاتی، گمرک، تامین اجتماعی و ... و ۴۶ درصد محدودیت در دریافت خدمات بانکی را به عنوان نتیجه وضعیت پیش آمده گزارش کرده‌اند و تمامی این موارد اثرات سوء بر سرمایه‌گذاری و رونق تولید کشور دارد، تسریع در حل مشکل به منظور بهبود شرایط اقتصاد ملی ضروری است.

بر اساس مجموع نظرات خبرگان راهکارهای پیشنهادی در دو سناریو به شرح زیر می‌باشد:

راهکار پیشنهادی اول:

- برای آن دسته از گیرندگان تسهیلات ارزی که گشایش اعتبار و دریافت وام آن‌ها تا پیش از تاریخ ۱۶/۰۵/۱۳۹۷ بوده است، کل بدهی بر حسب نرخ ۴۲۰۰ تومان به ازای هر دلار و یا معادل آن به سایر ارزها بر حسب اعلام بانک مرکزی با بهره ساده ۱۸ درصد به ریال تبدیل می‌شود. چنانچه گیرنده وام بنا به تشخیص بانک مرکزی و وزارتخانه تخصصی ذیربط قادر به بازپرداخت نقدی رقم فوق نباشد، بدهی وی در طول ۴ سال با بهره پیشنهادی در این بند تقسیط شود.

تبصره: کلیه تسهیلات گیرندگان ارزی جز دال بند ۶ قانون بودجه سال ۱۳۸۸ و بند ح تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۹۶ نیز مشمول این پیشنهاد می‌گردند.

توضیح آنکه مبنای تاریخ پیشنهادی، محدود شدن تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به ۲۵ قلم و گروه کالایی از جمله کالاهای اساسی و دارو و انتقال تامین ارز مورد نیاز مابقی کالاهای وارداتی به سامانه نیما در این تاریخ بوده است.^۱

^۱. با توجه به آنکه انتقال کانال تامین ارز کالاهای وارداتی به سامانه نیما و افزایش مستمر نرخ ارز تا مرداد ۱۳۹۷ به سرمایه‌گذاران سیگنال لازم برای تصمیم‌گیری درست در این تاریخ را ارائه کرده است، گیرندگان تسهیلات ارزی پس از تاریخ فوق مشمول مفاد این ماده نخواهند بود.

راهکار پیشنهادی جایگزین:

- برای آن دسته از گیرندگان تسهیلات ارزی که به دلیل منع قانونی، امکان کسب درآمد ارزی از محل صادرات ندارند، یا محصول تولیدی آن‌ها مشمول قیمت‌گذاری دستوری است و یا به دلیل عدم ایفای تعهدات دولت و شرکت‌های دولتی، منابع لازم برای بازپرداخت ارزی نداشته‌اند، چنانچه گشایش اعتبار و دریافت وام آن‌ها تا پیش از تاریخ ۱۶/۰۵/۱۳۹۷ بوده است، کل بدهی بر حسب نرخ ۴۲۰۰ تومان به ازای هر دلار و یا معادل آن به سایر ارزها بر حسب اعلام بانک مرکزی بانرخ سود ساده ۱۸ درصد به ریال تبدیل شود. چنانچه گیرنده وام بنا به تشخیص بانک مرکزی و وزارتخانه تخصصی ذیربط قادر به بازپرداخت نقدی رقم فوق نباشد، بدهی وی در طول ۴ سال با نرخ سود پیشنهادی در این بند تقسیط می‌شود.

تبصره: کلیه تسهیلات گیرندگان ارزی جز دال بند ۶ قانون بودجه سال ۱۳۸۸ و بند ح تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۹۶ در صورتیکه نسبت به ورود ماشین‌آلات و تجهیزات و قطعات و سایر اقلام مندرج در اعتبارات اسنادی گشایش یافته یا حواله‌های ارزی، اقدام و پروانه سبز گمرکی را اخذ نموده باشند، از سرفصل بدهکاران غیرجاری خارج و کماکان می‌توانند از خدمات و تسهیلات بانکی از این بابت برخوردار شوند. به بدهی این افراد جریمه و وجه التزام تاخیر تادیه دین تعلق نخواهد گرفت.



کمیسیون بازار پول و سرمایه



مرکز پژوهش های اتاق ایران